

بررسی دانش مربیان ورزشی از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران

حمیدرضا میرصفیان^۱

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه اصفهان*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۳

چکیده

مشارکت در فعالیت‌های ورزشی علی‌رغم فواید بسیار، همواره با خطرات مختلفی نیز همراه است که در این میان مربیان از نظر حقوقی بیشترین پتانسیل را برای قبول مسئولیت‌های قانونی در قبال ورزشکاران آسیب‌دیده دارند. به همین دلیل، پژوهش حاضر با هدف سنجش دانش مربیان رشته‌های مختلف ورزشی شهر اصفهان از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران انجام شده است. در این پژوهش از دو روش کمی (توصیفی - پیمایشی) و کیفی (تحلیل محتوای کیفی) برای تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از ابزارهای اندازه‌گیری استفاده شد. به همین منظور، تعداد ۲۸۵ نفر از مربیان رشته‌های مختلف ورزشی با روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌ای ۴۸ سؤالی در قالب هفت مؤلفه پاسخ دادند. همچنین ۳۵ نفر از مربیان از تمام رشته‌های ورزشی به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و در مصاحبه‌ای نیمه‌سازمان‌یافته شرکت کردند. نتایج پژوهش نشان داد مربیان دانش مناسبی از هیچ‌یک از حیطه‌های وظایف قانونی خود ندارند که در این میان، عوامل جنسیت و درجهٔ مربیگری نیز بر دانش آنان تأثیری نداشته است. در این ارتباط، سیستم آموزش مربیان با مرجعیت فدراسیون‌های ورزشی، منابع ارتقای دانش مربیان، فقدان حمایت رسانه‌ای و به‌صورت کلی دانش اندک و توجه نامناسب جامعهٔ ورزش به مسائل حقوقی مرتبط با ورزش می‌تواند از جمله عوامل مؤثر بر دانش نامناسب مربیان از این مباحث باشد.

واژگان کلیدی: آسیب‌دیدگی، دعاوی قضایی، مربیان ورزشی، مسئولیت، نقض وظیفه، ورزشکار، وظایف قانونی

مقدمه

علی‌رغم فواید و نتایج مثبت ورزش و فعالیت‌های بدنی بر فرد و جامعه، مشارکت در آن فعالیت‌ها همواره با خطراتی نیز همراه است. در حقیقت خطر و آسیب جزء لاینفک فعالیت‌های ورزشی است و حذف آنها از ورزش علی‌رغم شناخت خطر، آگاهی از موقعیت‌های خطرناک و حتی انجام تمام مراقبت‌های منطقی، غیرممکن است. بسیاری از خطرات عین‌شده با فعالیت‌های ورزشی، از جمله خطرات ذاتی ورزش هستند که وقوع آنها اجتناب‌ناپذیر است؛ اما تعدادی از خطرات نیز نتایج فعل و یا ترک فعل ناشی از غفلت و یا سهل‌انگاری دیگران، از جمله دیگر ورزشکاران، مربیان، داوران، مدیران و حتی برگزارکنندگان مسابقات و مالکان اماکن ورزشی است (میرصفیان، ۲۰۱۶: ۶). در این میان، ارتباط مربیان با ورزشکاران از منظر حقوقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در حقیقت ارتباط نزدیک مربی و ورزشکار، نزدیک‌بودن آن دو به یکدیگر و همراه‌بودن با هم در درازمدت و البته برتری جایگاه مربی نسبت به ورزشکار، مربیان را همواره در معرض اتهام در صورت بروز هرگونه آسیبی برای ورزشکاران قرار می‌دهد (محمدی‌نژاد و میرصفیان، ۲۰۱۵: ۵۵۳). از این‌رو با توجه به اینکه حذف خطرات از ورزش تقریباً امکان‌پذیر نیست و ورزشکاران ناگزیرند آسیب را به‌عنوان جزئی از ورزش بپذیرند، تلاش مربیان برای کاهش خطرات موجود در ورزش و نیز جلوگیری از طرح دعاوی حقوقی علیه آنها بسیار حائز اهمیت است. به همین سبب، بحث پیرامون وظایف قانونی مربیان، شرایط ایجادشده در صورت درست اجرا نشدن وظایف، عناصر لازم برای تحمیل مسئولیت مدنی آنان و نیز چگونگی ورود آنها به دعاوی قضایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

وظایف مربیان ورزشی از منظر حقوقی تاکنون به طرق متفاوتی بیان شده و یا در حیطه‌های مختلفی طبقه‌بندی شده است؛ اما مصداق کامل وظایف مذکور بر اساس منابع حقوق ورزشی، نظرات مراجع این رشته و همچنین پرونده‌های مرتبط حقوقی (محمدی‌نژاد و میرصفیان، ۲۰۱۵: ۵۵۶) عبارتند از:

نظارت

نظارت عمومی: نظارت عمومی یا نظارت غیرآموزشی در محیط‌هایی انجام می‌گیرد که تعداد شرکت‌کنندگان در فعالیت ورزشی زیاد باشد و آن فعالیت، ماهیتاً نیازمند تکنیک‌چندانی نباشد. وظیفه مربی در انجام این نوع نظارت این است که قبل از انجام فعالیت، هم‌زمان با آن و پس از

۱. مربیان همواره در جایگاه قدرت نسبت به ورزشکاران قرار دارند.

انجام فعالیت، در محیط ورزشی حضور داشته باشد و به میزان مطلوبی به ورزشکاران نزدیک باشد.^۱ همچنین نظارت بر رختکن‌ها، سرویس‌های بهداشتی و محل نقل‌وانتقال ورزشکاران نیز شامل این وظیفه می‌شود. نظارت مربی در این حیطه بصورت مستقیم نبوده و در حقیقت تنها از مربی انتظار می‌رود تا در صورت نیاز واکنش منطقی بروز دهد (دولچارد^۲، ۲۰۰۶؛ پایمنت و پایمنت^۳، ۲۰۱۱). نظارت ویژه: مربی در نظارت ویژه یا نظارت آموزشی در موقعیتی نزدیک‌تر به ورزشکار در مقایسه با نظارت عمومی قرار دارد. این نوع نظارت زمانی انجام می‌گیرد که ورزشکار در حال انجام فعالیتی ویژه است. بالطبع، ماهیت ورزش، نوع مهارت در حال اجرا، میزان آمادگی جسمانی و روانی و سطح مهارت، سن، جنسیت، وزن و جثه و بلوغ ورزشکار در نحوه و میزان نظارت مطلوب در این حیطه مؤثر است. نوع و میزان این نوع از نظارت در زمانی که ورزشکار در حال یادگیری و اجرای مهارت است نیز با مراحل دیگر متفاوت است (اولسن و کوالسکی^۴، ۲۰۱۰).

آموزش و تمرین

این حیطه از وظایف شامل آموزش مهارت‌های رشته ورزشی و قوانین آن رشته، آموزش چگونگی مقابله با خطرات ذاتی و غیرذاتی همراه با ورزش و کاهش این خطرات، آموزش چگونگی استفاده از وسائل و تجهیزات ورزشی در تمرین و مسابقه، اصلاح اشتباهات تکنیکی و تاکتیکی ورزشکاران و همچنین آموزش و تمرین مهارت‌های ورزشی با روندی منطقی و بر اساس استاندارد هر رشته، با توجه به سن، جنس، جثه، سطح مهارت و آمادگی جسمانی و روانی ورزشکاران است (ویلیامز^۵، ۲۰۰۳).

امکانات و تجهیزات ورزشی

وظیفه مربی در این حیطه فراهم‌آوردن محیط ورزشی امن و سالم برای ورزشکاران از لحاظ امکانات و وسائل ورزشی است. به همین سبب مربیان موظف به بررسی و بازدید از مکان ورزشی و امکانات آن و اطمینان از سلامت محیط ورزشی از لحاظ نور، دما و تناسب با رشته ورزشی ایشان است. همچنین، بررسی تجهیزات ورزشی قبل از شروع و در حین انجام تمرینات ورزشی و برطرف کردن مشکلات احتمالی آنها شامل این حیطه از وظایف مربیان می‌شود. از طرف دیگر، بررسی و بازدید

۱. منظور از میزان مطلوب دیدن تمامی ورزشکاران، شنیدن صدای همه آنها و آگاهی از تمام وقایعی است که در محیط ورزشی اتفاق می‌افتد.

2. Labuschagne
3. Paiement & Payment
4. Olsen & Kowalski
5. Williams

وسایل و تجهیزات شخصی ورزشکاران و لباس‌های آنها و حصول اطمینان از سلامت آنان قبل و در زمان تمرین و مسابقه نیز از وظایف مربیان در این حیطه است. همچنین، حصول اطمینان از سلامت تجهیزات و امکانات ورزشی روباز و جلوگیری از برگزاری تمرین ورزشکاران در صورت وجود خطرات احتمالی (آب‌وهوای نامناسب، موجودات و حیوانات خطرناک، مسیرهای خطرناک و غیره) از وظایف قانونی مربیان در این حیطه است (مک کسکی و بیدزینسکی^۱، ۱۹۹۶).

آگاه‌کردن از خطرات

وظیفه قانونی مربیان در این ارتباط آگاه‌کردن ورزشکاران از تمام خطرات همراه با ورزش، تمرینات، محیط تمرینی، حرکات ورزشی نمایشی و مسابقات ورزشی است.^۲ به همین سبب، مربیان در ابتدا موظفند خطرات احتمالی موجود در اجرای فعالیت‌های ورزشی، محیط‌های تمرینی روباز و سرپوشیده، خطرات استفاده از تجهیزات و وسایل تمرینی و بدنسازی، خطرات نهفته در جریان و یا پس از اجرای برخی از تکنیک‌ها، مهارت‌ها و یا تمرینات ورزشی و بدنسازی، خطرات به‌وجودآمده در جریان رقابت‌های ورزشی، خطرات ایجادشده برای ورزشکاران در زمان تمرین با برخی از ورزشکاران، و همچنین خطرات احتمالی استفاده از وسایل و تجهیزات خراب و یا خارج از استاندارد را کشف کنند و پس از آن، موظف است ورزشکاران را از آن خطرات و همچنین عواقب آنها آگاه کند (هنسج^۳، ۲۰۰۶).

کمک‌های پزشکی

اطمینان از وجود و یا فراهم‌آوردن تمام تجهیزات کمک‌های اولیه و وسائل ضروری پزشکی و درمانی از دیگر وظایف قانونی مربیان در کلاس‌های ورزشی و اردوهای تفریحی ورزشی است. همچنین،

1. McCaskey & Biedzynski

۲. این موارد، خطرات ذاتی ورزش‌ها نیستند. خطرات ذاتی ورزش خطراتی هستند که در ساختار ورزش جای دارند و امکان آسیب ورزشکار با این خطرات زیاد است؛ مانند شکستن بینی در بکس، آسیب مفصل آرنج در تنیس و یا پیچیدگی مفصل مچ پا در بسکتبال. خطرات غیرذاتی ورزش خطراتی هستند که در جزو ساختار ورزش‌ها نیستند و بنا بر ماهیت ورزش‌ها ایجاد نشده‌اند و بسته به شرایط مختلف، متفاوتند و احتمال آسیب ورزشکار با این خطرات کمتر از خطرات ذاتی است؛ مانند شکستگی بینی در بسکتبال، شکستگی گردن در شیرجه و یا زمین خوردن در والیبال به علت نامناسب بودن زمین. بنابراین، مربیان باید ورزشکاران را از تمام خطرات ذاتی و غیرذاتی ورزش‌ها آگاه کنند؛ اما وظیفه قانونی آنها کشف این گروه از خطرات و آگاه‌کردن ورزشکاران از آنهاست (بنا بر اصل فرض خطر) و در نتیجه در صورت غفلت از آن و آسیب ورزشکار، مسئولیت مدنی به آنان تحمیل می‌شود.

بر اساس اصل فرض خطر (Assumption of Risk) ورزشکار در زمان شرکت در تمرینات و یا مسابقات ورزشی، تمام خطرات ذاتی رشته ورزشی‌اش را پذیرفته است؛ بنابراین، در صورت آسیب‌دیدگی با خطرات مذکور، دیگران مسئول نخواهند بود.

3. Hensch

مربیان موظف به کسب اطمینان از حضور پرسنل خدمات پزشکی و آمبولانس و همچنین اطمینان از وجود جایگزینی مناسب برای آن افراد در صورت غیبت آنان هستند. البته انجام خدمات پزشکی و کمک‌های اولیه ویژه و تخصصی خارج از وظایف مربیان است (ونگ^۱، ۲۰۱۰). از طرف دیگر، اجازه خروج ورزشکار مصدوم از تمرین و مسابقه و جلوگیری از آسیب بیشتر، اجازه‌ندادن ورود و یا بازگشت مجدد ورزشکار مصدوم به تمرین و رقابت، و همچنین انجام اقدامات لازم برای اعزام ورزشکار مصدوم به مراکز درمانی در این حیطه از وظایف قانونی مربیان قرار دارد (ونگ، ۲۰۱۰).

اطلاع از وضعیت ورزشکاران

مربیان از نظر قانونی موظف به آگاهی از وضعیت جسمانی، روانی و همچنین سطوح آمادگی ورزشکاران خود هستند. در حقیقت، آگاهی از سابقه بیماری ورزشکار، آسیب‌های ورزشی گذشته، سوابق بیماری خانوادگی^۲ و حتی پتانسیل ورزشکار برای آسیب‌های جسمانی و روانی، از وظایف قانونی مربیان است. بیان این نکته حائز اهمیت است که انجام تست‌های پزشکی و یا دیگر تست‌های تشخیصی به منظور آگاهی از وضعیت ورزشکاران، از وظایف قانونی مربیان نیست؛ بلکه اطمینان از سلامت کامل جسمانی و روانی آنها در زمان شرکت در تمرینات و مسابقات از وظایف حقوقی مربیان است. در این ارتباط، مربیان می‌توانند از اطلاعات خانواده ورزشکاران، ورزشکاران دیگر و مربیان گذشته و حال ورزشکار، پزشکان و مسئولان خدمات درمانی تیم و حتی اولیای مدارس (در ورزش مدارس) استفاده کنند (کاسترو^۳، ۲۰۱۰).

هماهنگی میان ورزشکاران

مربیان موظف به برقراری ارتباطی منطقی و هماهنگ در تمرین و رقابت دو (و یا چند) ورزشکار از لحاظ سن، جنسیت، جنه، سطوح مهارت‌های جسمانی و روانی، میزان بلوغ و یا حتی سطوح آسیب‌دیدگی هستند. به عبارت دیگر، دو ورزشکار باید از تمام جهات با یکدیگر هماهنگ و همسطح باشند. از طرف دیگر، ویژگی‌های فرهنگی، نژادی و حتی مذهبی ورزشکاران نیز در این زمینه تأثیرگذار است و باید رعایت شود. البته این رعایت برابری و همسطحی مختص ورزش خاصی نیست و هماهنگی میان ورزشکاران در هر دو گروه ورزش‌های برخوردی (مانند کشتی) و غیربرخوردی (مانند والیبال) باید رعایت گردد (کارت^۴، ۲۰۰۶؛ کارت و مولر^۱، ۲۰۰۸).

1. Wong

۲. مانند سابقه بیماری قلبی که احتمال وقوع آن برای ورزشکار در هنگام فعالیت ورزشی وجود دارد.

3. Castro

4. Carter

اهمیت آگاهی مربیان از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران از دو جهت قابل بررسی است؛ از یک طرف مربیان موظف به آگاهی و اجرای وظایف قانونی خود هستند که نقض این وظایف و یا هرگونه کاستی و سهل‌انگاری موجب ایجاد شرایط آسیب‌دیدگی برای ورزشکاران و حتی بروز خطرات غیرقابل جبران برای آنان می‌شود. از طرف دیگر، این ناآگاهی امکان درگیری مربیان را با دعای قضایی و تحمیل مسئولیت‌های قانونی، و به‌ویژه مسئولیت مدنی افزایش می‌دهد و آنان را ملزم به جبران خسارت می‌گرداند.

تحمیل مسئولیت مدنی به مربیان از منظر قانونی در دادگاه‌ها بر اساس قوانین مسئولیت مدنی است^۲ و نیاز به اثبات دارد که اثبات آن بر اساس عناصر مسئولیت مدنی موجود رخ می‌دهد. مصادیق این عناصر عبارتند از:

وجود ضرر، خسارت و آسیب: اولین عنصر برای اثبات مسئولیت مربیان وجود ضرر برای ورزشکار است که این ضرر و خسارت می‌تواند ابعاد جسمانی، روانی، مالی^۳، حیثیتی و غیره داشته باشد. توجه به این نکته ضروری است که هدف مسئولیت مدنی جبران ضرر است؛ بنابراین اگر ضرری در بین نباشد، موضوع مسئولیت مطرح نمی‌شود.

فعل زیانبار: بدین مفهوم که فعل و یا ترک فعل مربی (به‌درستی انجام‌دادن وظایف قانونی یا انجام افعالی مغایر با آن وظایف) علت آسیب‌دیدن و یا خسارت‌رسیدن به ورزشکار باشد.

رابطه سببیت: برای تحقق مسئولیت باید احراز شود که بین آسیب واردشده به ورزشکار و فعل زیانبار مربی رابطه سببیت وجود داشته است؛ بدین معنی که فعل یا ترک فعل مربی علت حقیقی ورود آسیب و یا خسارت به ورزشکار بوده است؛ از این‌رو، در صورت غیبت این عنصر، حتی با توجه به حضور عناصر پیشین، مسئولیت بر مربی تحمیل نمی‌گردد.

بنابراین در صورت اثبات تمام عناصر یادشده، مربی مسئول شناخته می‌شود و ملزم به جبران خسارات ورزشکار خواهد بود. شرایطی نیز وجود دارد که تحمیل مسئولیت به مربیان پیچیده می‌شود. برای مثال، در شرایطی که علت آسیب، فعل و یا ترک فعل مستقیم مربی نبوده و چندین علت (مانند افعال دیگر ورزشکاران) نیز در آسیب ورزشکار مؤثر باشد، بررسی تمامی فاکتورهای مؤثر بر وقوع آسیب، غیر از فعل و یا ترک فعل مربی، مطرح می‌گردد. در این صورت نقش مربی در

1. Carter & Muller

۲. ماده یک قانون مسئولیت مدنی: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتهای یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».
۳. در حقیقت هر جا که نقضی در مال ایجاد شود و یا منفعت مسلمی از دست برود، ضرر وارد شده است.

ایجاد این خسارت مشخص می‌شود (محمدی‌نژاد، میرصفیان، و سلطان‌حسینی، ۲۰۱۲: ۲۷). به بیانی دیگر، هدف مراجع قضایی پاسخ به این سؤال خواهد بود که آیا آسیب واردآمده به ورزشکار، بدون وجود فعل و یا ترک فعل مربی نیز ایجاد می‌شده است یا خیر؟ (آلبرتج^۱، ۲۰۰۸؛ میرصفیان، ۲۰۱۶)؛ که در این شرایط اگر رفتار مربی تأثیری بر ایجاد و یا شدت آسیب‌دیدگی ورزشکار صدمه‌دیده نداشته باشد، مسئولیت‌های قانونی از مربی سلب می‌گردد (ونگ، ۲۰۱۰).

با توجه به موارد مطرح‌شده، آگاهی و دانش مربیان از وظایف قانونی حرفه‌مربیگری و اجرای آن، اهمیت فراوانی دارد و مربیان با علم به این وظایف، هم در فراهم‌آوردن محیط ورزشی امن و سالم برای ورزشکاران توفیق بیشتری می‌یابند و هم خطر طرح دعاوی قضایی علیه ایشان و تحمیل مسئولیت‌های حقوقی بر ایشان کاهش می‌یابد (این مسئولیت‌های حقوقی، گه‌گاهی نیز منجر به تعقیب کیفری مربی از جانب شخص آسیب‌دیده می‌شوند). به‌همین سبب، پژوهش حاضر با هدف سنجش آگاهی مربیان ورزشی از وظایف حقوقی خود در قبال ورزشکاران انجام شده و در ادامه به بررسی عوامل مؤثر بر دانش مربیان از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران و شناخت ریشه‌های آن پرداخته است.

در بررسی پژوهش‌های داخلی مرتبط با حقوق ورزشی به‌صورت کلی، و وظایف و مسئولیت‌های قانونی افراد حاضر در جامعه ورزش و بالخصوص مربیان ورزشی، تحقیقات اندکی تاکنون انجام شده است. در ارتباط با اندک پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان به پژوهش بنیان و کاشف (۱۳۹۳) که به تفاوت آگاهی‌های حقوقی مربیان ورزش زن و مرد در رویدادهای ورزشی پرداخته اشاره کرد. نتایج پژوهش مذکور حاکی از آن است که بیشتر مربیان شرکت‌کننده در آن تحقیق، آگاهی مناسبی از وظایف حقوقی خود در رویدادهای ورزشی داشته‌اند که این آگاهی با توجه به جنسیت، سطح تحصیلات و تجربه‌مربیگری آنها متفاوت بوده است. به بیانی دیگر، مربیان زن، مربیان دارای مدارک کارشناسی ارشد و بالاتر، و مربیان با سابقه‌مربیگری بیشتر از پانزده سال، دانش حقوقی بیشتری از دیگر مربیان داشتند. در نتایجی متفاوت، فروغی (۱۳۸۳) در مطالعه‌میزان آشنایی مربیان، معلمان و مدیران ورزشی شهر تهران از مفاهیم حقوق ورزشی گزارش داد که تنها درصد کمی از مشارکت‌کنندگان در آن پژوهش از مباحث حقوقی مرتبط با ورزش اطلاع داشته‌اند و بر اساس آن رفتار می‌کردند. مهدی‌پور (۱۳۸۹) نیز در بررسی و مقایسه‌میزان آگاهی مربیان چهار رشته‌منتخب ورزشی (تکواندو، کشتی، فوتبال و بسکتبال) شهر اهواز از جنبه‌های قانونی و حقوقی ورزش نشان داد که مربیان مذکور آگاهی اندکی از جنبه‌های قانونی و حقوقی ورزش دارند. به زعم وی سابقه

ورزشی تأثیر مثبتی بر میزان آگاهی مربیان از جنبه‌های قانونی و حقوقی ورزش دارد؛ اما این تأثیر در ارتباط با درجهٔ مربیگری، میزان تحصیلات و رشتهٔ تحصیلی مربیان وجود نداشته است. همچنین، در میان رشته‌های ورزشی یادشده، مربیان کشتی و تکواندو به ترتیب بیشترین و کمترین میزان آگاهی را از مسائل مطرح شده داشتند. محمدی‌نژاد و میرصفیان (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود به بررسی آگاهی حقوقی مربیان ورزشی از وظایف قانونی خود و ارتباط آن با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی آنها پرداختند. نتایج آن پژوهش حاکی از دانش نامناسب مربیان از وظایف قانونی خود بود که در این میان عوامل اجتماعی و اقتصادی تأثیر بسزایی داشتند. همچنین میرصفیان (۲۰۱۶) وظایف قانونی و مسئولیت‌های حقوقی مربیان رشته‌های مختلف ورزشی را در قالب یک پژوهش مروری بررسی کرده و عوامل مؤثر در تحمیل مسئولیت مدنی به مربیان را مشخص کرده است.

در ارتباط با پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور نیز می‌توان به پژوهش سینگ و سورجلال^۱ (۲۰۱۰) اشاره کرد که با هدف بررسی دانش مربیان ورزشی و مدیران مرتبط با ورزش در مقطع دبیرستان از مباحث حقوق ورزشی و مدیریت خطر و رفتار آنها بر اساس آن انجام شده است. نتایج پژوهش مذکور حاکی از دانش نامناسب و به تبع آن عملکرد ضعیف مربیان و مدیران مقطع دبیرستان در حیطهٔ مدیریت خطر به‌طور کلی، و در اجرای وظایف قانونی خود در مقابل ورزشکاران بوده است. در تحقیقات زیادی نیز دانش نامناسب مربیان از مسائل مرتبط با کمک‌های اولیه و نیز آگاهی اندک آنها از وظایف قانونی خود در ارتباط با ورزشکاران صدمه‌دیده گزارش شده است (بارون^۲ و همکاران، ۲۰۰۹؛ والویچ مکئون، مگوس، بوکیرن و بای^۳، ۲۰۰۸). همچنین محققان زیادی نیز بر آگاهی نامناسب مربیان ورزشی سطوح مختلف از وظایف قانونی خود تأکید کرده‌اند (بزدیک^۴، ۲۰۰۹؛ دمیتریانی و دمیتریانی^۵، ۲۰۰۷؛ دوقرتی، گولدرگر و کارپنتر^۶، ۲۰۰۷؛ استارفسکی و ویت^۷، ۲۰۱۱).

با توجه به اندک تحقیقات انجام شده در ارتباط با حقوق ورزشی در کشور و همچنین بررسی وظایف قانونی مربیان ورزشی و سنجش دانش آنان از وظایف قانونی محول شده به ایشان، و کشف علل و عوامل مؤثر بر سطح دانش آنان از وظایف قانونی خود در محیط ورزش، اهمیت بررسی این مسائل بیش از پیش روشن می‌شود. از این رو، پژوهش حاضر با هدف سنجش آگاهی مربیان از وظایف حقوقی

-
1. Singh & Surujlal
 2. Barron
 3. Valvovich-McLeod, McGaugh, Boquiren & Bay
 4. Bezdicek
 5. Dimitriadi & Dimitriadi
 6. Dougherty, Goldberger & Carpenter
 7. Staurowsky & Weight

خود در قبال ورزشکاران انجام شده و در ادامه به بررسی عوامل مؤثر بر دانش آنان از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران و شناخت ریشه‌های آن پرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از دو روش کمی و کیفی برای دستیابی به اطلاعات کامل در ارتباط با موضوع پژوهش استفاده شده است.

روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی در این پژوهش از نوع توصیفی - پیمایشی بوده که به منظور دستیابی به میزان آگاهی مربیان از وظایف حقوقی خود در قبال ورزشکاران انجام شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر را همه مربیان فعال باشگاه‌های ورزشی شهر اصفهان در رشته‌های فوتبال، هندبال، شنا، تنیس، کشتی، جودو و تکواندو تشکیل دادند که در پاییز سال ۱۳۹۵ در آن شهر فعالیت می‌کردند (مرد: ۷۰۳، زن: ۳۸۳، کل: ۱۰۸۶). حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از جدول کرجسی و مورگان^۱ (۱۹۷۰) ۲۸۵ نفر تعیین شد (۱۳). از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه آماری مربیان در هر رشته ورزشی برای نمونه‌گیری استفاده شد و به همین جهت تعداد ۱۸۳ نفر از مربیان مرد و ۱۰۲ نفر از مربیان زن مشغول به فعالیت در رشته‌های منتخب ورزشی با درجات مربیگری مختلف (درجه سه: ۱۰۴ نفر، درجه دو: ۱۱۶ نفر، درجه یک: ۶۵ نفر) برای مشارکت در این پژوهش انتخاب شدند.

با توجه به هدف پژوهش، از پرسش‌نامه سنجش دانش مربیان از وظایف حقوقی‌شان در قبال ورزشکاران (محمدی‌نژاد و میرصفیان، ۲۰۱۵) استفاده شد. ابزار مذکور از دو بخش تشکیل شده است که در بخش اول، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مربیان (سن، جنسیت، درجه مربیگری، سطح تحصیلات و سابقه کار در حرفه مربیگری) سنجیده شده و در بخش دیگر، دانش مربیان از وظایف حقوقی‌شان در قالب ۴۸ سؤال در هفت مؤلفه اندازه‌گیری شده است (پرسش‌ها به تفکیک مؤلفه‌ها عبارتند از: نظارت: ۸ سؤال، آموزش و تمرین: ۷ سؤال، امکانات و تجهیزات ورزشی: ۷ سؤال، آگاه کردن از خطرات: ۸ سؤال، کمک‌های پزشکی: ۶ سؤال، اطلاع از وضعیت ورزشکاران: ۶ سؤال و هماهنگی میان ورزشکاران: ۶ سؤال). روش نمره‌دهی به سؤالات نیز روش پنج‌گزینه‌ای لیکرتی (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) بود که به ترتیب نمره‌های یک تا پنج به آنها تعلق می‌گرفت. روایی و پایایی این ابزار را محمدی‌نژاد و میرصفیان (۲۰۱۵) به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز پایایی این ابزار پس از انجام یک مطالعه مقدماتی از طریق آلفای کرونباخ ضریب

۰/۸۰ به دست آمد (نظارت: ۰/۸۲، آموزش و تمرین: ۰/۸۰، امکانات و تجهیزات ورزشی: ۰/۷۸، آگاه کردن از خطرات: ۰/۷۹، کمک‌های پزشکی: ۰/۸۱، اطلاع از وضعیت ورزشکاران: ۰/۷۹ و هماهنگی میان ورزشکاران: ۰/۸۱).

به منظور انجام پژوهش، پس از هماهنگی با مدیریت اماکن ورزشی، توضیحات لازم در ارتباط با هدف اجرای پژوهش و طریقه پاسخ‌دهی به سؤالات به مربیان ارائه شد و اطمینان آنها از رعایت کامل موازین اخلاقی در پژوهش جلب گردید. سپس از آنان خواسته شد تا به سؤالات در محیطی آرام و با صداقت کامل پاسخ دهند. در زمان پاسخ‌دهی مربیان به سؤالات پرسش‌نامه‌ها هیچ‌گونه محدودیت زمانی‌ای برای آنان در نظر گرفته نشد.

روش تحقیق کیفی

به‌منظور بررسی عمیق‌تر عوامل مؤثر بر دانش مربیان از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران، از روش تحلیل محتوای کیفی^۱ (مصاحبه) استفاده شده است. تعداد ۳۵ نفر از مربیان از تمام رشته‌های ورزشی انتخاب‌شده در این پژوهش (پنج نفر از هر رشته) به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و در مصاحبه‌ای نیمه‌سازمان‌یافته شرکت کردند. هدف از انجام مصاحبه دستیابی به اطلاعاتی عمیق‌تر و درکی وسیع‌تر از عوامل مؤثر بر دانش مربیان از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران تحت تعلیم آنها بود. مصاحبه حول این محورها انجام گرفت: نگرش و علاقه مربیان به مسائل حقوقی و حقوق ورزشی، آگاهی مربیان از وظایف قانونی حرفه‌مربیگری، نحوه برخورد مراجع قضایی در صورت آسیب‌دیدگی ورزشکاران، عوامل مؤثر بر افزایش دانش مربیان از مسائل حقوقی درگیر در ورزش و نیز موانع ارتقای آگاهی مربیان در حیطه حقوق ورزشی. انجام مصاحبه‌ها را خود پژوهشگر بر عهده داشت و هر کدام بین ۲۰ تا ۳۱ دقیقه به طول انجامید.

از آزمون‌های آماری کولموگروف اسمیرنوف، t تک‌متغیره، t مستقل و تحلیل واریانس آنوا برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی تحقیق استفاده شد ($P \leq 0.05$). به همین منظور از نرم‌افزار اس.پی.اس.آ، نسخه ۱۹ استفاده شد. داده‌های کیفی پژوهش (نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه) نیز پس از کدگذاری بر اساس محورهای مصاحبه با استفاده از میزان فراوانی و پس از آن با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شد.

۱. روش تحلیل محتوای کیفی روشی برای تفسیر ذهنی اطلاعات از طریق فرایندی نظام‌مند است که پژوهشگران را قادر می‌سازد تا اصالت و حقیقت اطلاعات را به‌گونه‌ای ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کنند. در واقع این روش به محققان کمک می‌کند تا حقایق و واقعیات را به همان صورتی که نمونه‌های پژوهش آنرا تجربه کرده‌اند، درک کنند. تحلیل محتوای کیفی عمدتاً در رشته‌های علوم اجتماعی مانند ارتباطات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روان‌شناسی کاربرد دارد. این روش تحقیقی در اوایل قرن بیستم رواج پیدا کرده است.

نتایج

نتایج بخش کمی پژوهش

پیش از انجام پژوهش، فرضیه نرمال بودن توزیع داده ها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف در سطح ۰/۰۵ تأیید شد. نتایج حاصل از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مربیان در جدول شماره یک ارائه شده است.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مربیان

متغیر	میانگین	درصد
جنسیت	مرد	۶۴
	زن	۳۶
سن	۲۰-۳۰ سال	۴۱
	۳۱-۴۰ سال	۳۵
	۴۱-۵۰ سال	۲۰
	۵۱ و بیشتر	۴
سطح تحصیلات	دیپلم	۵۱
	کارشناسی	۳۸
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۱
درجه مربیگری	درجه سه	۳۶
	درجه دو	۴۱
	درجه یک	۲۳
سابقه کار در حرفه مربیگری	کمتر از ۱۰ سال	۵۴
	۱۱-۲۰ سال	۳۳
	۲۱ سال و بیشتر	۱۳

نتایج حاصل از جدول شماره یک نشان می‌دهد بیشترین تعداد مربیان از نظر جنسیت، مربیان مرد، از نظر سن، مربیان بین ۲۰ تا ۳۰ سال، از نظر سطح تحصیلی، مربیان دارای مدرک دیپلم، از نظر درجه مربیگری، مربیان دارای کارت مربیگری درجه دو و از حیث سابقه کار در حرفه مربیگری، مربیان با سابقه کار کمتر از ۱۰ سال بوده‌اند.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مربیان شرکت‌کننده در این تحقیق از دانش مناسبی در ارتباط با وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران برخوردار نبودند ($M=2/69$). به بیانی دیگر، آگاهی مربیان از تمام حیطه‌های وظایف قانونی، مناسب ارزیابی نشده است (جدول شماره دو). در این میان، دانش مربیان از حیطه وظایف هماهنگی میان ورزشکاران کمتر از دیگر حیطه‌ها شناخته شده است (جدول شماره سه).

جدول ۲- دانش مربیان رشته‌های مختلف ورزشی از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران
(میانگین نظری: ۳/۰۰)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	T	سطح معنی‌داری
دانش مربیان از وظایف قانونی خود	۲/۶۹	۱/۱۱	۲۸۴	۲/۷۱	۰/۰۱**

$P \leq 0.01^{**}$

نتایج حاصل از جدول شماره دو بیانگر دانش نامناسب مربیان رشته‌های مختلف ورزشی از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران بوده است ($M < 3/00$).

جدول ۳- دانش مربیان رشته‌های مختلف ورزشی از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران
به تفکیک حیطه‌های وظایف (میانگین نظری: ۳/۰۰)

وظیفه	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	T	سطح معنی‌داری
نظارت	۲/۴۶	۰/۵۹	۲۸۴	۳/۴۵	۰/۰۰۱**
آموزش و تمرین	۲/۸۳	۰/۶۹	۲۸۴	۲/۸۷	۰/۰۳*
امکانات و تجهیزات	۲/۶۸	۰/۹۹	۲۸۴	۳/۱۱	۰/۰۱**
آگاه‌کردن از خطرات	۲/۰۸	۰/۸۹	۲۸۴	۴/۶۵	۰/۰۰۱**
کمک‌های پزشکی	۲/۵۹	۰/۸۳	۲۸۴	۳/۲۲	۰/۰۰۱**
اطلاع از وضعیت ورزشکاران	۲/۵۱	۰/۷۷	۲۸۴	۳/۳۴	۰/۰۰۱**
هماهنگی میان ورزشکاران	۱/۹۹	۰/۶۲	۲۸۴	۴/۸۶	۰/۰۰۱**

$P \leq 0.01^{**}$ $P \leq 0.05^*$

بر اساس نتایج حاصل از جدول شماره سه، دانش مربیان از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران تحت کنترل آنها، به ترتیب در حیطه وظایف هماهنگی میان ورزشکاران، آگاه‌کردن از خطرات، نظارت، اطلاع از وضعیت ورزشکاران، کمک‌های پزشکی، امکانات و تجهیزات ورزشی، و آموزش و تمرین مناسب ارزیابی نشده است ($M < 3/00$).

جدول ۴- مقایسه دانش مربیان رشته‌های مختلف ورزشی از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران بر اساس جنسیت

جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	T	سطح معنی‌داری
مرد	۲/۳۵	۰/۶۷	۲۸۳	۰/۴۵	۰/۶۲
زن	۲/۲۸	۰/۶۳	۲۸۳	۰/۴۵	۰/۶۲

$P \leq 0.05^*$

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول شماره چهار تفاوت معنی داری میان دانش مربیان رشته‌های مختلف ورزشی از وظایف قانونی‌شان در قبال ورزشکاران با توجه به فاکتور جنسیت وجود ندارد.

جدول ۵- مقایسه دانش مربیان رشته‌های مختلف ورزشی از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران بر اساس درجه مربیگری

گروه	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
درجه مربیگری	بین گروهی	۲۸/۵۹۴	۲	۱۴/۲۹۷	۰/۴۰	۰/۵۹
	درون گروهی	۱۷۴۴/۳۶۵	۲۸۲	۵/۵۳۸		
	کل	۱۷۷۲/۹۵۹	۲۸۴	-		

$P \leq 0.05^*$

نتایج حاصل از آزمون آنوا در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری میان دانش مربیان رشته‌های مختلف ورزشی از وظایف قانونی‌شان در قبال ورزشکاران بر اساس درجه مربیگری آنها وجود ندارد. به بیانی دیگر، درجه مربیگری نقشی بر دانش آنها از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران تحت کنترل نداشته است.

نتایج بخش کیفی پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از اجرای بخش کمی پژوهش و مشخص شدن دانش نامناسب مربیان از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران، مطالعه‌ای کیفی به منظور کشف عوامل پنهان و دلایل عمیق اثرگذار بر دانش نامناسب مربیان از وظایف قانونی خود در حرفه مربیگری انجام شد. علاوه بر آن، در این بخش تلاش شد تا علاوه بر تبیین عوامل مؤثر بر دانش نامناسب مربیان از وظایف قانونی خود، به عوامل زمینه‌ای آن نیز پرداخته شود. نتایج حاصل از انجام مصاحبه‌های عمیق در این مرحله از پژوهش، ضمن تأیید مجدد نتایج به دست آمده از بخش کمی، به تبیین موارد پنهان و عوامل بنیادی مؤثر بر دانش نامناسب مربیان ورزشی از وظایف قانونی‌شان منجر شد.

تحلیل مضامین مصاحبه‌های انجام شده در این بخش نشان داد که مربیان مشارکت‌کننده از آگاهی مناسبی از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران برخوردار نیستند. عوامل و دلایل متعددی در این راستا مشخص شد که در ارتباط با هریک از حیطه‌های وظایف قانونی مربیان به ترتیب زیر گزارش می‌شود.

بر اساس نتایج حاصل از بخش کمی پژوهش، دانش مربیان از حیطه وظایف هماهنگی میان ورزشکاران، که مبتنی بر برقراری ارتباطات منطقی میان ورزشکاران در تمرین و رقابت است، در

کمترین حالت در مقایسه با دیگر حیطه‌های وظایف قرار دارد که این موضوع می‌تواند موجب آسیب ورزشکاران، به‌ویژه در ورزش‌های برخوردی گردد. مضامین حاصل از مصاحبه با مربیان نشان داد که در حقیقت بیشتر مربیان بر این باورند که تمرین ورزشکاران با یکدیگر بدون توجه به تفاوت‌های موجود بین آنها موجب پیشرفت عملکرد آنان می‌شود. یکی از مربیان رشته کشتی می‌گوید: «یک کشتی‌گیر باید با همه نوع حریفی تمرین کند تا بتواند در مسابقات موفق شود». حال آنکه مربیان در صورت آسیب‌دیدگی ورزشکاران در شرایطی که اصول هماهنگی بین آنها در تمرین و یا مسابقه برقرار نباشد، از لحاظ قانونی مقصر شناخته می‌شوند. در این ارتباط رعایت اصل هماهنگی میان ورزشکاران مبتدی به دلیل سطح اندک مهارتی و عملکردی و همچنین ورزشکاران نوجوانان به دلیل نرسیدن به بلوغ جسمانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ موضوعی که اکثر مربیان با آن موافق نبودند. یکی از مربیان تکواندو می‌گوید «ورزشکار از کودکی باید با حریفان بزرگتر از خود مبارزه کند تا ترسی از رقابت نداشته باشد». مربی دیگری معتقد است: «جودو یک ورزش رزمی است، تمرینی برای مبارزات واقعی که در آن شما حریف خود را انتخاب نمی‌کنید؛ پس در تمرین نیز افراد از اول (از زمانی که مبتدی هستند) باید با حریفان ماهر و با اوزان سبکتر و سنگین‌تر تمرین کنند تا سرعت و قدرت لازم را به دست آورند».

نتایج به‌دست‌آمده از بخش کمی پژوهش نشان داد که آگاهی مربیان از حیطه وظایف آگاه‌کردن از خطرات، که مبنی بر آگاه‌کردن ورزشکاران از تمام خطرات همراه با مشارکت در تمرین و مسابقه است، نامناسب ارزیابی شده است. در حقیقت، اکثر مربیان در مصاحبه‌های خود بر این باورند که ورزشکار در زمان شرکت در فعالیت ورزشی تمام خطرات همراه با ورزش را پذیرفته است و نیازی نیست شرایط خطرزا و یا موقعیت‌هایی که در آن پتانسیل ایجاد آسیب برای ورزشکاران وجود دارد، برای او توصیف گردد و توضیح داده شود. به زعم یکی از مربیان رشته فوتبال «خطر همراه ورزش است و این به‌هیچ‌وجه شامل وظایف مربیان (قانونی و غیرقانونی) نیست». مربی دیگری می‌گوید: «خطر جزء لاینفک ورزش‌های رزمی است و آسیب ورزشکاران در رشته جودو اجتناب‌ناپذیر است. کسی که به این رشته پا می‌گذارد باید تمام خطرات قابل‌پیش‌بینی و غیرقابل‌پیش‌بینی را به جان بخرد. از این‌رو، مربی هرگز، در صورت آسیب ورزشکار و حتی در شرایط خاص، از نظر قانونی مسئول شناخته نمی‌شود؛ چون اینگونه موارد از وظایف قانونی مربیان نیستند». البته این باور مربیان بر اساس اصل فرض خطر تا حدودی صحیح است. در حقیقت ورزشکاران با شرکت در فعالیت‌های ورزشی خطرات ذاتی ورزش را پذیرفته‌اند؛ بنابراین، در صورت ایجاد آسیب‌های متعارف رشته خاص ورزشی (و در صورت نبود دلایل دیگر)، دیگر افراد (دیگر ورزشکاران، مربی، غیره) مسئول نیستند. اما در حقیقت مربیان قانوناً موظف به آگاه‌کردن ورزشکاران تحت کنترل خود از خطرات غیرذاتی

ورزش‌ها هستند و در صورتی که ورزشکاری در این ارتباط آسیب ببیند، امکان تحمیل مسئولیت به مربی وجود خواهد داشت.

نتایج بخش کمی پژوهش حاکی از آن بود که مربیان از دانش مناسبی در ارتباط با وظایف قانونی خود در حیطه وظایف نظارت برخوردار نبوده‌اند. نتایج حاصل از مصاحبه با مربیان نشان داد که در حقیقت آنان از لحاظ قانونی برای خود وظیفه‌ای مبنی بر حضور بموقع در محیط ورزشی، نزدیک‌بودن به ورزشکاران به میزان مطلوب، نظارت بر رختکن‌ها، سرویس‌های بهداشتی، و محل نقل و انتقال ورزشکاران و غیره (نظارت عمومی) و همچنین حضور بموقع، مناسب و فعال در زمان یادگیری و آموزش ورزشکاران (نظارت ویژه) قائل نبوده‌اند که اجرای نادرست این حیطه از وظایف، به‌خودی‌خود پتانسیل ایجاد آسیب و خطرات غیرقابل‌جبرانی را برای ورزشکاران و به تبع آن مشکلات قانونی‌ای را برای مربیان آنها ایجاد می‌کند. یک مربی شنا در این ارتباط می‌گوید: «من نیازی به حضور در سر استخر در زمان گرم‌کردن ورزشکاران نمی‌بینم. اگرچه آنها نوجوان هستند، از سطح مهارت مناسبی برخوردارند». یک مربی تکواندو نیز می‌گوید: «نظارت بر رختکن‌ها و حمام‌ها از وظایف مسئولان اماکن ورزشی است و من شخصاً تاکنون این عمل را انجام نداده‌ام». همچنین مربیان وظایف نظارتی خود (نظارت ویژه) در زمان آموزش و تمرین مهارت‌ها را به‌صورت صحیح انجام نمی‌دهند که این خود به‌دلیل ناآگاهی آنها از وظایفشان است. در این ارتباط یکی از مربیان می‌گوید: «من هرگز نمی‌توانم نظارت کاملی در زمان آموزش فنون کشتی بر همه مبتدیان داشته باشم؛ به‌رحال تعداد ورزشکاران زیاد است و من تنها مربی باشگاه هستم و وظیفه اصلی من آموزش صحیح مهارت‌هاست که آن را به‌خوبی انجام می‌دهم».

بر اساس نتایج حاصل از بخش کمی پژوهش، دانش مربیان از حیطه وظایف اطلاع از وضعیت ورزشکاران مناسب نبوده است. در بررسی نتایج حاصل از مصاحبه با مربیان مشخص شد که اکثر مربیان بر این باورند که آگاهی از وضعیت جسمانی ورزشکاران، سطوح مهارتی آنان و وضعیت روانی ورزشکار از وظایف قانونی یک مربی نیست. یکی از مربیان جودو می‌گوید «بهتر است مربی از وضعیت جسمانی و روانی ورزشکاران خود مطلع باشد ولی این مورد شامل وظایف قانونی وی نیست». همچنین اکثر مربیان اعتقاد دارند که آنها وظیفه‌ای در ارتباط با آگاهی از پیشینه بیماری ورزشکاران و برنامه‌ریزی تمرینات بر اساس آن ندارند. به زعم یکی از مربیان تنیس «سوابق بیماری‌های قبلی ورزشکاران به خود آنان مربوط است و اگر آنها خود مایل باشند و لازم ببینند مربی را از آن مطلع می‌کنند و همچنین در تمریناتی که برای آنها مشکل‌ساز باشد شرکت نمی‌کنند». واضح است که در صورت ناآگاهی مربیان از پیشینه بیماری و یا سطوح آمادگی جسمانی

و روانی ورزشکاران (در صورت آسیب دیدگی ورزشکار) مسئولیت مدنی می‌تواند به راحتی بر آنان تحمیل گردد.

نتایج بخش کمی پژوهش گویای آن است که مربیان دانش مناسبی از حیطة وظایف دانش پزشکی نداشتند. این حیطة از وظایف، مربیان ورزشی را موظف به کسب اطمینان از وجود و یا فراهم بودن تمام تجهیزات کمک‌های اولیه و وسائل ضروری پزشکی و درمانی در کلاس‌های ورزشی و اردوهای تفریحی ورزشی، و همچنین کسب اطمینان از حضور پرسنل خدمات پزشکی و آمبولانس می‌کند؛ در حالی که بر اساس نتایج مصاحبه‌ها، اکثر مربیان از آن اطلاع نداشتند و به آن عمل نمی‌کردند. بنا بر نظر یکی از مربیان هندبال «تهیه و تدارک تجهیزات کمک‌های اولیه در حیطة وظایف مسئولان اماکن ورزشی است و مربیان هیچ‌گونه وظیفه‌ای در این ارتباط ندارند. به بیانی دیگر، اگر اتفاقی برای یکی از ورزشکاران بیفتد و وسائل کمک‌های اولیه موجود نباشد، متصدی سالن مسئول خواهد بود». یکی از مربیان شنا نیز می‌گوید: «در صورت وقوع حادثه برای شناگران، در صورت نبود تجهیزات احیا، مدیر استخر مسئول است». البته در هر حادثه‌ای، امکان تحمیل مسئولیت به افراد متعددی، با توجه به میزان تقصیر آنها، وجود دارد که مثلاً در مورد اخیر، هم مربی و هم مسئول مکان ورزشی (استخر) هر کدام به دلیل قصور از وظایف قانونی خود مسئول شناخته خواهند شد.

از دیگر جنبه‌های وظایف مربیان در حیطة دانش پزشکی این است که ورزشکار مصدوم را از تمرین و مسابقه خارج کنند و تا بهبود کامل وی، اجازه بازگشت مجدد او را به تمرین و رقابت ندهند و برای اعزام وی به مراکز درمانی تلاش کنند. بیش از نیمی از مربیان شرکت‌کننده در این پژوهش در مصاحبه‌های خود گفتند که ورزشکاران خود را حتی در صورت خستگی مفرط ورزشکار - که احتمال ایجاد آسیب وجود دارد - ملزم به ادامه تمرینات می‌کنند. از طرف دیگر، اکثر مربیان می‌گفتند که در مسابقات ورزشی، مخصوصاً مسابقاتی که نقشی حساس برای موقعیت تیم دارند، به ورزشکاران آسیب‌دیده اجازه خروج از رقابت را نمی‌دهند. یکی از مربیان هندبال در این ارتباط می‌گوید «ورزشکار باید باغیرت بازی کند و برای پیروزی تیم، حتی با وجود آسیب دیدگی، تلاش کند». قانون مربیان را از انجام هرگونه اقدام پزشکی بر روی ورزشکاران آسیب‌دیده، غیر از کمک‌های اولیه ابتدایی، منع می‌کند. این در حالی است که بیشتر مربیان رشته‌های رزمی و کشتی بر این باورند که مربیان باید هرگونه اقدام پزشکی ممکن را در برای بهبود ورزشکار آسیب‌دیده انجام دهند. یکی از مربیان کشتی می‌گوید: «مربی بهتر است در صورت ایجاد آسیب‌های جزئی مانند دررفتگی انگشت ورزشکاران، خود برای جانداختن آن انگشت اقدام کند؛ زیرا بدن ورزشکار در آن هنگام گرم است و درد کمتری را تحمل خواهد کرد». یکی از مربیان جودو نیز سخن مشابهی را مطرح کرده است: «مربیانی که قادر به جانداختن کتف جودوکاران هستند باید سریعاً در صورت

در رفتگی، اقدام به جانداختن آن بکنند» و گزارش داده که خود او تاکنون چند بار این عمل را انجام داده و ورزشکاران مصدوم پس از مدتی بهبود یافته و تمرینات خود از سر گرفته‌اند! واضح است که مربیان در صورت انجام این‌گونه اقدامات مسئول تمام عواقب آن خواهند بود. در اینجا بیان این نکته ضروری است که بر اساس قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی^۱ همه افراد جامعه موظفند به مصدومانی که در معرض خطرات جانی قرار دارند، کمک کنند که به تبع آن همه افراد درگیر در امر ورزش، مانند مربیان، مدیران، ورزشکاران، مسئولان اماکن ورزشی و غیره، ملزم به انجام هرگونه اقدام ممکن در این ارتباط هستند؛ اما در خارج از این شرایط، مربیان فقط و فقط موظف به تلاش برای اعزام هرچه سریع‌تر ورزشکاران آسیب‌دیده به مراکز درمانی خواهند بود.

بر اساس نتایج حاصل از بخش کمی پژوهش، مربیان آگاهی مناسبی از حیطة وظایف امکانات و تجهیزات ورزشی نداشتند. در بررسی نتایج حاصل از مصاحبه با مربیان مشخص شد که در حقیقت آنان در مورد فراهم‌آوردن محیط ورزشی امن و سالم برای ورزشکاران، بررسی و بازدید مکان ورزشی و امکانات آن، اطمینان از سلامت محیط ورزشی از همه جهات، بررسی تجهیزات شخصی ورزشکاران و لباس آنان و حصول اطمینان از سلامت آنها قبل و در زمان تمرین و مسابقه و تلاش برای برطرف کردن مشکلات احتمالی، وظیفه‌ای برای خود قائل نبودند. به زعم یکی از مربیان رشته تنیس «وظیفه مربی آموزش مهارت‌ها و آماده‌کردن ورزشکاران برای رقابت است و فراهم‌آوردن محیط ورزشی امن و سالم، مربوط به مدیریت اماکن ورزشی است». مربی دیگری می‌گوید: «نیازی به بررسی وسائل (کلاه و هوگو) ورزشکاران بالغ در رشته تکواندو قبل از تمرینات وجود ندارد؛ زیرا آنها بالغ هستند و این وظیفه بر عهده خود آنهاست»؛ همچنین «در برخی جلسات تمرینی تکواندوکاران بنا به درخواست خودشان بدون وسائل حفاظتی شخصی (کلاه، هوگو، بیضه‌بند) به مبارزه می‌پردازند که این مورد نیز، با توجه به مهارت و سن آنها، برای ما قابل قبول است».

۱. قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی: «هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک‌طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیت‌دار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری نماید به حبس جنحه‌ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می‌توانسته کمک مؤثری بنماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد».

از طرف دیگر، مربیان موظفند از برگزاری تمرین ورزشکاران در فضاهای روباز در صورت وجود خطرات احتمالی (مانند آب‌وهوای نامناسب، موجودات و حیوانات خطرناک، مسیرهای خطرناک و غیره) جلوگیری کنند؛ موردی که به‌ندرت در مصاحبه‌ها به آن اشاره شد. در حقیقت بیشتر مربیان این‌گونه وظایف را مرتبط با مدیر تیم (در صورت وجود) و یا دیگر مسئولان، غیر از خود، می‌دانند که این امر می‌تواند آنان را (در صورت آسیب ورزشکاران) با خطر طرح دعاوی حقوقی و مسئولیت‌های قانونی مواجه کند.

نتایج کمی پژوهش بیانگر آگاهی نامناسب مربیان از حیطه وظایف آموزش و تمرین بوده است. این وظیفه شامل آموزش مهارت‌ها و قوانین رشته ورزشی، چگونگی پیشگیری از خطر و مقابله با آن، آموزش استفاده از وسائل و تجهیزات ورزشی در تمرین و مسابقه و اصلاح اشتباهات ورزشکاران می‌شود. نتایج حاصل از مصاحبه با مربیان نشان داد اگر چه اکثر آنان مهارت‌های رشته ورزشی خاص خود را به‌صورت کامل و صحیح به ورزشکاران آموزش می‌دهند، وظیفه‌ای از لحاظ قانونی برای خود در این ارتباط قائل نیستند. همچنین، آنان تلاشی برای کشف خطرات همراه با ورزش (ذاتی و غیرذاتی) ندارند و شیوه‌های مقابله با آن را به‌صورت کامل و صحیح به ورزشکاران آموزش نمی‌دهند. به زعم یکی از مربیان فوتبال «وظیفه مربی آموزش مهارت‌هاست، اما اگر اتفاقی برای یکی از ورزشکاران بیفتد که دلیل آن اجرای غیرصحیح تکنیک مورد نظر به دلیل یادگیری ناقص وی باشد، خود او مقصر است». از طرفی دیگر، یکی از مربیان کشتی می‌گوید: «مربی که نمی‌تواند و نباید تمام خطرات همراه با کشتی را به هنرجوها یادآوری کند؛ آنها خود توانایی درک و تشخیص خطرات مذکور را دارند و راه‌های مقابله با آن را می‌دانند». برقراری روندی منطقی در آموزش و تمرین مهارت‌های ورزشی و هماهنگی آن با استاندارد آموزش در هر رشته ورزشی، با توجه به سن، جنس، جثه، سطح مهارت و آمادگی جسمانی و روانی ورزشکاران از دیگر وظایف قانونی مربیان است که مربیان کمتر به آن توجه دارند. در حقیقت بیش از نیمی از مربیان مشارکت‌کننده در مصاحبه‌ها نه وظیفه‌ای از لحاظ قانونی برای خود در این ارتباط قائل بودند و نه اینکه روش آموزش آنها بر اساس استاندارد و همراه با یک سیر منطقی انجام می‌شده است. یکی از مربیان کشتی می‌گوید: «آموزش فنون مختلف به ورزشکاران می‌تواند بر اساس علاقه آنها باشد» و بر آن است که: «توجه به علاقه ورزشکاران از آموزش مهارت‌ها بر اساس استاندارد، اهمیت بیشتری دارد». البته مربیان ورزش‌های رزمی، موارد یادشده را بیشتر و دقیق‌تر رعایت می‌کنند که این موضوع شاید به دلیل ماهیت رشته‌های رزمی و اهمیت نظم و رعایت سلسله‌مراتب در آن رشته‌ها باشد.

در بررسی عمیق‌تر مضامین حاصل از مصاحبه با مربیان که به منظور کشف عوامل زمینه‌ای و بنیادی اثرگذار بر دانش نامناسب آنان از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران صورت گرفت،

مشخص شد که عوامل متعدد و متنوعی در دانش حقوقی مربیان از حرفه مربیگری به صورت کلی، و آگاهی آنان از وظایف قانونی خود دخیل است که از جهات مختلفی قابل بررسی است. نظام آموزش و ارتقای مربیگری با مرجعیت فدراسیون‌های ورزشی در کشور، یک نظام کامل نیست. در حقیقت، متقاضیان ارتقای درجه مربیگری، تنها پس از گذراندن یک دوره فشرده تئوری و عملی که همگی نامرتب با جنبه‌های حقوقی حرفه مربیگری هستند، می‌توانند به درجه بالاتری از مربیگری ارتقا یابند. تنها موردی که در این میان شاید تا حدودی با یکی از جنبه‌های حقوقی ورزش و وظایف قانونی مربیان مرتبط باشد، مباحث ایمنی در ورزش است که بیشتر مرتبط با چگونگی رعایت و بهبود وضعیت بهداشت و ایمنی ورزشکاران است که به صورت بسیار مختصر در کلاس‌های مذکور به آن پرداخته می‌شود. اما در هر صورت در هیچ‌یک از مواد درسی مطرح‌شده، به وظایف قانونی مربیان در قبال ورزشکاران تحت کنترل آنها، شرایط ایجادشده در صورت قصور از وظایف محول‌شده به مربیان، ارکان مسئولیت مدنی و چگونگی تحمیل آن به مربیان و دیگر موارد حقوقی مرتبط که جزء لاینفک حرفه مربیگری هستند، اشاره‌ای نمی‌شود. عمق و شدت این مسئله تا آنجاست که مدرسان دوره‌های مربیگری نیز دانش کاملی از مسائل حقوقی دخیل در حرفه مربیگری ندارند که البته این مورد نیز شاید به دلیل رشد آنها در همین نظام آموزشی باشد. به زعم یکی از مربیان «وقتی از مدرسان کلاس‌های مربیگری درباره مسائل مرتبط با مسئولیت مدنی در ورزش سؤال می‌شود، پاسخ آنها این است که این‌گونه مسائل شامل ورزش و محیط رقابت نمی‌شود؛ زیرا ورزشکاران با شرکت خود در ورزش تمام خطرات همراه با ورزش را پذیرفته‌اند». یکی از مربیان نیز می‌گوید «استادان کلاس‌های مربیگری همواره از توضیح مسائل حقوق ورزشی تفره می‌روند و این‌گونه مسائل را نامرتب با کلاس‌های مربیگری می‌دانند». بنابراین، بی‌دلیل نیست که درجه مربیگری مربیان، که همراستا با تجربیات آنهاست، تأثیری در دانش آنان از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران نداشته است.

نبود منابع مرتبط با مسائل حقوقی حرفه مربیگری نیز از دیگر موارد مؤثر بر دانش مربیان در این زمینه است. در واقع به جز اندک منابع دانشگاهی مرتبط با حقوق ورزشی، هیچ کتاب و یا نشریه‌ای به این‌گونه مسائل نپرداخته است. سایت‌های اینترنتی فارسی نیز مورد خاصی در این حوزه ارائه نمی‌دهند. بنا بر نظر یکی از مربیان «مطالب موجود در اینترنت کپی‌برداری از اندک مطالب کتاب‌ها و مجلات است» و همچنین «هیچ تفاوتی در مطالعه یک سایت اینترنتی با دیگر سایت‌ها وجود ندارد؛ زیرا مطالب سایت‌های اینترنتی (فارسی) کپی‌برداری از دیگر سایت‌هاست».

از طرف دیگر، در رسانه‌ها نیز علی‌رغم تأسیس شبکه اختصاصی ورزش در تلویزیون ملی کشور و همچنین وجود مجلات و جراید متعدد ورزشی، مورد خاصی در این ارتباط وجود ندارد. کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی و توجیهی نیز به‌ندرت برای مربیان برگزار می‌شود و اندک موارد برگزار شده نیز در دسترس همگان نیست و بیشتر مربیان به این نقصان اشاره داشتند.

شاید یکی از دلایل بی‌توجهی به حقوق ورزشی و مسائل مرتبط با آن در کشور، نبود رشته تحصیلی مرتبط با آن در مقاطع دانشگاهی باشد. در حقیقت، آموزش مفاهیم حقوق ورزشی تنها در حد دو واحد درسی، آن‌هم به‌صورت اختیاری و فقط برای دانشجویان مقطع کارشناسی رشته تربیت‌بدنی محدود مانده است که این موضوع به‌خودی‌خود بر کمیت و کیفیت کتاب‌های این حوزه، مجلات علمی مرتبط، تحقیقات علمی و به‌صورت کلی، آگاهی جامعه ورزش از این حیطه، تأثیرگذار بوده است. تعداد اندک دعاوی حقوقی مرتبط با ورزش نیز شاید از دیگر عوامل کمبود منابع علمی و اطلاعاتی موجود در این زمینه باشد که این مورد نیز ناشی از دانش اندک مربیان و به‌طور کلی، جامعه ورزش از این مسائل است. به‌زعم یکی از مربیان «مشکلات و مسائل ورزش تنها مرتبط با محیط ورزش است و امکان ارائه آن به خارج از آن محیط (مراجع قضایی) وجود ندارد». به همین سبب، به‌هیچ‌وجه جای تعجب نیست اگر مربیان ورزش شهر اصفهان در سطوح و درجات مختلف مربیگری، دانش مناسبی از مفاهیم حقوق ورزشی به‌صورت کلی و همچنین مسائل حقوقی مرتبط با حرفه مربیگری نداشته باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

مربیان ورزشی همواره بر اساس ماهیت ورزش در خطر مواجه‌شدن با طرح دعاوی حقوقی بر علیه خود و پذیرش بار مسئولیت‌های قانونی از طرف ورزشکاران آسیب دیده قرار دارند. در این ارتباط برخوردار بودن از دانش مناسب از وظایف قانونی و بر طبق آن، انجام فعالیت‌های متناسب با وظایف محول‌شده می‌تواند تا حد زیادی آنان را از خطرات یادشده مصون نگه دارد. این پژوهش با هدف بررسی دانش مربیان رشته‌های مختلف ورزشی از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران انجام شده است. نتایج بخش کمی پژوهش نشان داد که مربیان مشارکت‌کننده در این پژوهش از آگاهی مناسبی در ارتباط با وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران برخوردار نیستند. این بدان معناست که آنان وظایف حقوقی خود را به‌عنوان یک مربی نشناخته و به تبع آن، رفتار مناسبی در این زمینه انجام نمی‌دهند که این امر از یک طرف موجب آسیب بیشتر ورزشکاران تحت کنترل آنها می‌شود و از طرف دیگر، آنان را در معرض تحمیل مسئولیت‌های قانونی قرار می‌دهد. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از منظر آگاهی‌داشتن یا بی‌اطلاع‌بودن از مبانی حقوقی و قانونی مرتبط با مربیگری، تفاوتی میان مربیان در جنسیت و درجات مختلف مربیگری وجود ندارد. این نتایج همسو با

یافته‌های پژوهش‌های استاروسکی و ویت (۲۰۱۱)، بارون و همکاران (۲۰۰۹)، بزدیک (۲۰۰۹)، دوقرتی، گولدرگر و کارپنتر (۲۰۰۷)، دیمیتیریانی و دیمیتیریانی (۲۰۰۷)، سینگ و سورجلال (۲۰۱۰)، فروغی (۱۳۸۳)، محمدی‌نژاد و میرصفیان (۲۰۱۵)، میرصفیان (۲۰۱۶)، مهدی‌پور (۱۳۸۹) و والوویچ مکلود و همکاران (۲۰۰۸) بوده است اما نتایج پژوهش بنیان و کاشف (۱۳۹۳) را تأیید نمی‌کند.

نتایج حاصل از بخش کیفی پژوهش و انجام مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته با مربیان که به منظور شناخت عوامل مؤثر بر دانش نامناسب آنان از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران انجام شده بود نیز نشان داد که علل و عوامل متعددی بر دانش نامناسب آنان تأثیر دارد که از میان آنها می‌توان به ناآگاهی مربیان از مباحث حقوق ورزشی به صورت کلی و همچنین دانش نامناسب آنان از مسائل مرتبط با حقوق، وظایف و مسئولیت‌های مربیان در میداین ورزشی و در آموزش و تمرین، تمایل نداشتن مربیان به یادگیری مباحث حقوقی، ملزم نبودن مربیان به درک و اجرای وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران، تفسیر اشتباه مربیان از برخی قواعد حقوقی مرتبط با ورزش، نبود منابع مناسب مرتبط با ارتقای دانش مربیان از مباحث حقوق ورزشی و وظایف و مسئولیت‌های مربی در قبال ورزشکار، نظام آموزشی نامناسب مربیان در کلاس‌های مربیگری، فقدان حمایت‌های رسانه‌ای و همچنین، فقدان حمایت‌های دانشگاهی در حوزه گسترش علم حقوق ورزشی در کشور اشاره کرد. به همین دلیل، به منظور افزایش آگاهی حقوقی مربیان شهر اصفهان به‌عنوان نماینده مربیان ورزش کشور، باید در ابتدا در راستای گسترش زمینه‌ها و فرصت‌های متنوع یادگیری برای آنها تلاش گردد. در این ارتباط تلاش برای فراهم‌آوردن و گسترش منابع نیمه‌رسمی^۱ ارتقای دانش مربیان، مانند برگزاری کارگاه‌های آموزشی و کنفرانس‌های حقوق ورزشی ویژه مربیان به تفکیک رشته‌های مختلف ورزشی، و با فواصل زمانی کم و همچنین الزام مربیان برای شرکت در آنها می‌تواند مؤثر باشد (مسکوئیتا، ایزیدرو و روسادو^۲، ۲۰۱۰). همچنین، انتشار کتاب‌های مرتبط و اختصاص روزنامه‌ها و مجلات ویژه مربیان می‌تواند تا حدودی به تحقق این هدف کمک کند. از طرف دیگر، گسترش منابع غیررسمی^۳ افزایش آگاهی مربیان به صورت همکاری با مربیان مطلع و استفاده از دانش و تجربیات آنها در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد (نلسون، گوشین، و پوتراک^۴، ۲۰۰۶؛ سانتو، مسکوئیتا، گراکا و

-
1. Informal
 2. Mesquita, Isidro & Rosado
 3. Nonformal
 4. Nelson, Cushion & Potrac

روسادو، ۲۰۱۰). در نهایت، تلاش فدراسیون‌های ورزشی برای انجام یک بازنگری کلی در برنامه‌ها و سرفصل دروس آموزشی دوره‌های مربیگری می‌تواند گامی مهم و مؤثر در ارتقای دانش حقوقی مربیان ورزشی در سطوح مختلف در کشور باشد.

با عنایت به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، به مسئولان ورزش کشور و فدراسیون‌های ورزشی پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های آموزشی دوره‌های ارتقای مربیگری، به مرجعیت فدراسیون‌های ورزشی، یک بازنگری کلی انجام گیرد. همچنین، به حقوق ورزشی به‌صورت کلی و وظایف و مسئولیت‌های قانونی تمام افراد درگیر در ورزش، به‌ویژه مربیان ورزشی در مجامع علمی و ورزشی کشور بیشتر توجه شود.

منابع

1. Albrecht, M.J. (2008). A Determination of Basic First Aid Qualification and Knowledge among Youth Sport Coaches in Organized Sport. (Unpublished doctoral dissertation). North Dakota State University, USA.
2. Barron, M.J., Powell, J.W., Ewing, M.E., Nogle, S.E., & Branta, C. F. (2009). First aid and injury prevention knowledge of youth basketball, football, and soccer coaches. *International Journal of Coaching Science*, 3(1), 55-67.
3. Bezdicek, P.W. (2009). Risk management practices in high school athletic departments. (Unpublished master's thesis). University of Wisconsin – La Crosse.
4. Bonyan, A., & Kashef, A. (2014). Difference between law knowledge and civil liability of men and women coaches in sport events. *Applied Research of Sport Management*, 4(8), 79-90. (Persian).
5. Carter, A.F., & Muller, M. (2008). A Survey of Injury Knowledge and Technical Needs of Junior Rugby Union Coaches in Townsville (North Queensland). *Journal of Science and Medicine in Sport*, 11, 167-73.
6. Castro, L. (2010). Assessment of First Aid Knowledge and Decision Making of Coaches of Youth Soccer. (Unpublished master's thesis). San Jose State University, USA.
7. Dimitriadi, A., & Dimitriadi, S. (2007). A conceptual model of risk management and its importance for sport and leisure. *Sport Management International Journal*, 3(1), 19-26.
8. Doleschal, J.K. (2006). Managing Risk in Interscholastic Athletic Programs: 14 Legal Duties of Care. *Marquette Sports Law Review*, 17(1), 295-339.
9. Dougherty, N.J., Goldberger, A.S., & Carpenter, L.J. (2007). *Sport, Physical Activity, and the Law*. United States: Sagamore Publishing.
10. Forughi, J. (2004). Study the knowledge of coaches, PE teachers, and sport managers of Tehran from sport law, with providing training solution (Research Project). Sport Sciences Research Institute of Iran. (Persian).
11. Hensch, L.P. (2006). Legal Issues for Coaches. *Soccer Journal*, 51(7), 14-25.

12. Kerjcie, R.V., & Morgan, D.W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurements*, 30, 607-610.
13. McCaskey, A.S., & Biedzynski, K.W. (1996). A Guide to the Legal Liability of Coaches for a Sports Participant's Injuries. *Seton Hall Journal of Sport Law*, 6(1), 7-125.
14. Mehdipour, A. (2011). Study and compare the knowledge of coaches of four sport fields in Ahvaz from legal aspects of sport. (Unpublished master's thesis). Shahid Chamran University, Ahvaz. (Persian).
15. Mesquita, I., Isidro, S., & Rosado, R. (2010). Portuguese Coaches' Perceptions of and Preferences for Knowledge Sources Related to their Professional Background. *Journal of Sports Science Medicine*, 9, 480-9.
16. Mirsafian, H. (2016). Legal duties and legal liabilities of coaches toward athletes. *Physical Culture and Sport Studies and Research*, 69(1), 5-14.
17. Mohamadinejad, A., & Mirsafian, H. (2015). Connection of the coaches' legal knowledge and their social background at the Iranian universities, *Iranian Studies*, 48(4), 551-66.
18. Mohamadinejad, A., Mirsafian, H., & Soltanhoseini, M. (2012). Civil liability of referees in the sport competitions. *Journal of Human Sport and Exercise*, 7, 24-34.
19. Nelson, L.J., Cushion, C.J., & Potrac, P. (2006). Formal, Non-Formal and Informal Coach Learning: A Holistic Conceptualization. *International Journal of Sport Science and Coaching*, 1(3), 247-59.
20. Olsen, H., & Kowalski, C.L. (2010). Enhancing Program Quality and Care through Supervision. *Afterschool Matters, Special Issue*, 37-43.
21. Paiement, C.A. & Payment, M.P. (2011). Event Management for Teacher-Coaches: Risk and Supervision Considerations for School-Based Sports. *Strategies*, 24(5), 35-7.
22. Santosa, S.F.M., Mesquita, I.M.R., Graca, A.B.S., & Rosado, A.F.B. (2010). What Coaches Value about Coaching Knowledge: A Comparative Study Across a Range of Domains. *International Journal of Applied Sports Sciences*, 22(2), 96-112.
23. Singh, C., & Surujlal, J. (2010). Risk management practices of high school sport coaches and administrators. *South African Journal for Research in Sport, Physical Education and Recreation*, 32(1), 107-19.
24. Staurowsky, E.J., & Weight, E.A. (2011). Title IX literacy: what coaches don't know and need to find out. *Journal of Intercollegiate Sport*, 4, 190-209.
25. Valvovich-McLeod, T.C., McGaugh, J.W., Boquiren, M.L., & Bay, R.C. (2008). Youth sports coaches do not have adequate knowledge regarding first-aid and injury prevention. *Applied Research in Coaching and Athletics*, 23, 130-45.
26. Williams, Y. (2003). Government Sponsored Professional Sports Coaches and the Need for Better Child Protection. *Entertainment Law*, 2(1), 55-84.
27. Wong, G.M. (2010). *Essentials of Sports Law* (4th ed.). Canada: ABC-CLIO.

استناد به مقاله

میرصفیان، حمیدرضا. (۱۳۹۶، پاییز و زمستان). بررسی دانش مربیان ورزشی از وظایف قانونی خود در قبال ورزشکاران. پژوهش در ورزش تربیتی، ۵(۱۳): ۳۴-۱۱۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2017.3387.1225

Mirsafian. H. (2017). Assessment of Coaches' Knowledge from their Legal Duties toward Athletes. Research on Educational Sport, 5(13): 111-34. (Persian). Doi: 10.22089/res.2017.3387.1225

Assessment of Coaches' Knowledge from Their Legal Duties toward Athletes

H. Mirsafian¹

1. Assistant Professor of Sport Management, University of Isfahan*

Received: 2017/01/02

Accepted: 2017/02/18

Abstract

Participation in sporting activities, regardless of many benefits, associated with various risks and injuries, which coaches in this regard have the greatest potential for imposing legal liabilities toward injured athletes. This study aimed to measure the knowledge of coaches in various sport fields in Isfahan from their legal duties toward athletes. A quantitative (survey_descriptive) and qualitative (content analyzing) methods employed for analyzing the data gained from instruments. 285 coaches from various sport fields selected with stratify random sampling method and answered to a questionnaire includes 48 questions, in the form of 7 dimensions. Furthermore, 35 coaches from all of the selected sports selected by purposive sampling method, and participated in a semi-structural interview. The results indicated that coaches have sufficient knowledge in none of dimensions of legal duties. Also, gender as well as level of coaching certification have no effect on their knowledge. The coaching education system with reference of sport federations, sources of knowledge acquisition for coaches, lack of supporting from media, and generally, lack of knowledge and attention of all people involved in sport from the law issues related to sport, could affect the insufficient knowledge of coaches from the mentioned subject.

Keywords: Athlete, Breach of Duty, Sport Coaches, Injury, Legal Duties, Liability, Litigation

* Corresponding Author

Email: Hamidmirsafian@gmail.com